فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

۶۱ درصد بیکارشدگان از بخش خدمات‌اند، ۲۷ درصد بیکارشدگان یارانه معیشتی و ۴۰ درصد آنها سهام عدالت ندارند و ۹۹ درصد نیز تسهیلات کرونایی نگرفته‌اند

بمب‌ساعتی یک میلیون و ۳۰۰ هزار بیکار کرونایی

مرتضی عبدالحسینی
روزنامه‌نگار

کرونا راه نفس بسیاری از مشاغل را بست و مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور را به رکود و بعد از آن به بیکاری مبتلا کرد. به‌ویژه این خسارت در حد فاصل اسفند ۹۸ تا پایان اردیبهشت ۹۹ بیشتر بود، چراکه هنوز از سرگیری برخی مشاغل و همچنین ترس اجتماعی تعدیل نشده بود. براساس آمار ثبت‌شده در سامانه بیمه بیکاری وزارت کار و رفاه اجتماعی بیش از ۸۷۱ هزار نفر در بازه مذکور متقاضی دریافت بیمه بیکاری بوده‌اند که حدود ۴۳۰ هزار نفر از آنها از پنج استان تهران، اصفهان، فارس، خوزستان و خراسان رضوی بوده‌اند. ظاهرا این رقم نسبت به جمعیت ۲۳ میلیونی شاغل کشور پایین به نظر می‌آید اما باید توجه داشت حدود ۷ میلیون نفر از شاغلان کشور در مشاغل غیررسمی فعال بوده و امکان استفاده از بیمه بیکاری را ندارند و همچنین حدود ۳ میلیون نفر کارکنان رسمی، قراردادی و پیمانی هستند که حقوق‌بگیر دولت و نهادهای عمومی بوده که در هرحال امنیت شغلی آنها تضمین است. بررسی مختصات اجتماعی و اقتصادی متقاضیان بیمه بیکاری در کشور حائز نکات بااهمیتی است: ۱-حدود ۷۱ درصد از متقاضیان را مردان تشکیل داده‌اند. ۲-حدود ۵۴۰ هزار نفر از متقاضیان بیمه بیکاری از بخش خدمات بوده‌اند که به نظر آسیب جدی‌تری از کرونا دیده‌اند. ۳-اما نکته مهم‌تر اینکه، با وجود اجرای سیاست‌های حمایتی گوناگون در پساکرونا، وضعیت متقاضیان نشان می‌دهد که حدود ۲۷ درصد از آنها یارانه معیشتی دریافت نکرده و ۹۹ درصد از آنها از تسهیلات کرونایی بهره‌ای نبرده‌اند. ۴-بیش از ۴۰ درصد بیکارشدگان متقاضی بیمه بیکاری عنوان کرده‌اند سهام عدالت ندارند. ۵-از بین متقاضیان همچنین حدود ۷۰۰ هزار نفر فاقد بیمه سلامت بوده و برخوردار از مزایای آن نیستند. به‌طور کلی موارد بالا نشان می‌دهد جدای از اینکه ویروس کرونا نقش جدی در افزایش رکود و بیکاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور داشته، اما مهم‌تر از آن، بسته‌های حمایتی سیاستگذار به جامعه هدف برخورد نمی‌کند و گروه‌های هدف حمایت اجتماعی، محروم از این حمایت‌ها هستند. همچنین این محرومیت‌ها بیانگر این موضوع است که سیاستگذار علاوه‌بر اینکه هیچ اشراف اطلاعاتی بر جامعه هدف حمایت‌های اجتماعی ندارد، عملا با اعطای یارانه‌های آشکار و پنهان به اقشار پردرآمدتر، هم موجبات خردشدن کمر اقشار کم‌درآمد در زیر چرخ‌دنده‌های گرانی و تورم را فراهم می‌کند و هم عمدا یا سهوا منابع عظیم یارانه‌های اعطایی را به هدر می‌دهد.

کرونا و یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بیکار

اواخر بهمن ۹۸ بود که سروکله ویروس دامنگیر کرونا در کشور پیدا شد و رفته‌رفته تمامی مناطق و بخش‌های کشور را درنوردید. این ویروس درحالی وارد ایران شد که اقتصاد کشور از ابتدای سال ۹۷ با شوک‌های سنگین اقتصادی مانند خروج آمریکا از برجام، بازگشت دوباره تحریم‌ها، افت شدید قیمت نفت، تورم فزاینده و... روبه‌رو بود و ظرف مدت کوتاهی اثرات مستقیم و غیرمستقیم این ویروس نیز به علائم اقتصاد بیمار ما اضافه شد. تردیدی نیست که در چنین شرایطی، اعمال محدودیت‌ها، قرنطینه اجتماعات، کنترل مرزها و فاصله‌گذاری اجتماعی بخش‌های مختلف اقتصادی را به خود درگیر کرده و به‌دلیل معضلات قبلی بیش از بقیه کشورها به نیروی کار آسیب برساند. اسفند، فروردین و اردیبهشت اوج تبعات اقتصادی و اجتماعی کرونا برای کشور بود، به‌طوری که نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار نیز این مساله را تایید می‌کند. این آمار از کاهش ۳/۷ درصدی نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور و کاهش ۲/۹ درصدی اشتغال در بهار ۹۹ در مقایسه با فصل مشابه سال گذشته خبر می‌داد. براساس این آمارگیری، مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در بهار ۹۹ حدود ۲۵ میلیون و ۴۶۷ هزار نفر بوده، این رقم برای بهار ۹۸ تقریبا ۲۷ میلیون و ۴۶۰ هزار نفر و برای بهار ۹۷ نیز حدود ۲۷ میلیون و ۳۸۰ هزار نفر بوده است. از سویی دیگر تعداد جمعیت شاغلان در بهار ۹۹ حدود ۲۲ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر برآورد شده که افت ۶ درصدی را در مقایسه با بهار ۹۸ نشان می‌دهد. به‌طورکلی می‌توان برآورد کرد که تنها در اسفند ۹۸، فروردین و اردیبهشت ۹۹ حدود ۷۵۵ هزار نفر به جمعیت غیرفعال اضافه شده (جمعیت ناامید از پیدا کردن شغل و فعالیت اقتصادی) اضافه و حدود ۵۰۰ هزار نفر نیز به‌طور قطعی شغل خود را از دست داده‌اند. این مساله نشان می‌دهد که بهار ۹۹ پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی و همچنین اشتغال را در هشت فصل اخیر داشته است. البته براساس آخرین آمار وضعیت در تابستان ۹۹ کمی بهبود پیدا کرده و مشارکت فعال اقتصادی و همچنین نرخ اشتغال در مقایسه با بهار ۹۹ رشد ۵۰۰ هزار نفری داشته است.

۸۷۳ هزار متقاضی بیمه بیکاری در سه ماه

با اوج‌گیری تبعات اقتصادی کرونا در اسفند ۹۸ و همچنین بهار ۹۹، پیش‌بینی می‌شد که متقاضیان بیمه بیکاری نیز به‌طور فزاینده‌ای افزایش پیدا کنند. براساس قانون، بیمه بیکاری شامل بیمه‌شده‌ای است که بدون میل و اراده خود بیکار شده و آماده به کار باشد. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شد تعداد زیادی از افراد مشمول قانون بیمه بیکاری در شرایط کرونا بیکار شوند و لذا درخواست مقرری بیمه بیکاری داشته باشند، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از همان روزهای اول شیوع ویروس کرونا سامانه آنلاین درخواست بیمه بیکاری را راه‌اندازی کرد. براساس اطلاعات این سامانه، تعداد ۸۷۱ هزار و ۴۸۷ نفر از افرادی که از اسفندماه ۱۳۹۸ تا ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ بیکار شده بودند، برای دریافت بیمه بیکاری در سامانه ثبت‌نام کرده‌اند و ۷۴۸ هزار نفر از آنها (۸۶ درصد) مشمول قانون کار و قانون بیمه بیکاری شده‌اند. نسبت این رقم به جمعیت شاغل کشور در بهار ۹۹ که حدود ۲۲ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر بوده‌اند، حدود نیم‌درصد است. درواقع تنها نیم‌درصد از جمعیت شاغل کشور، شغل خود را از دست داده و متقاضی دریافت بیمه بیکاری شده‌اند، این درحالی است که نسبت متقاضیان بیمه بیکاری به کل جمعیت شاغل در بازه مذکور در کشوری مانند آمریکا حدود ۲۰ درصد بوده است. مشخص است که وضعیت مطلوب این نسبت در کشور ما با آنچه در اطراف ما در چند ماه اخیر رخ داده، در تناقض است، برای همین نیازمند تفسیر رقم متقاضیان بیمه بیکاری هستیم.

آمار غلط‌انداز «بیمه بیکاری» کشور

در تحلیل نیروی کار کشور باید به دو نکته اساسی در ارائه آمارها توجه داشت. اول نرخ مشارکت اقتصادی کشور است که درحال حاضر و براساس آخرین اطلاعات در بهار ۹۹ حدود ۴۱ درصد از کل جمعیت بالای ۱۵ سال کشور را تشکیل می‌دهد. بدین معنی که در کنار ۲۵ میلیون و ۴۶۸ هزار نفر نیروی فعال اقتصادی، حدود ۳۶ میلیون و ۷۱۵ هزار نفر نیروی غیرفعال وجود دارد که شرایط ورود به بازار کار را داشته اما به هر دلیلی دلسرد شده و کنار کشیده‌اند. دومین نکته اما توجه به اقتصاد غیررسمی حین بررسی این آمارهاست. افراد شاغل در بخش غیررسمی در ایران بدون داشتن قرارداد رسمی، با دستمزدی عمدتا کمتر از حداقل مزد قانونی و بدون برخورداری از حمایت‌های اجتماعی (مانند بازنشستگی، ازکارافتادگی و بیمه بیکاری) و چتر حمایتی قانون کار (مانند اخطار پیش از تعدیل و اخراج، مرخصی استحقاقی سالانه یا استعلاجی) مشغول کارند. اطلاعات سامانه ملی اشتغال و کسب‌وکار و سامانه ملی تحلیل اطلاعات بازار کار (هر دو وابسته به وزارت کار)، نشان می‌دهد تا پایان هشت ماهه سال جاری از ۲۳ میلیون و ۷۰۳ هزار و ۸۱۲ نفر شاغل اقتصاد ایران، حدود ۱۶ میلیون و ۶۵۵ هزار و ۳۵ نفر دارای بیمه (شاغل رسمی) در ۱۸ صندوق بازنشستگی و حدود هفت میلیون و ۸۸ هزار و ۷۷۷ نفر نیز فاقد بیمه یا همان شاغل غیررسمی هستند. رقم افراد متقاضی بیمه بیکاری در بهار ۹۹ از بین ۱۶ میلیون نفر بوده و باقی گروه‌ها را دربرنمی‌گیرد. از طرفی دیگر از بین این ۱۶ میلیون نفر نیز چیزی حدود ۹ میلیون نفر کارکنان رسمی، قراردادی و پیمانی هستند که حقوق‌بگیر دولت بوده که به جز موارد خاص تحت هیچ شرایطی از کار، بیکار نخواهند شد. به این ترتیب است که متقاضیان بیمه بیکاری بسیار کم به نظر آمده و رقم آن در برابر جمعیت شاغل ناچیز محسوب می‌شود. با این اوصاف اما به‌دلیل در دسترس بودن اطلاعات ۸۷۳ هزار نفر متقاضی بیمه بیکاری، بررسی آن به‌عنوان جامعه آماری از کل کشور خالی از لطف نخواهد بود.

نصف بیمه بیکاری برای ۵ استان

براساس اطلاعات مندرج در سامانه بیمه بیکاری، بیشترین فراوانی متقاضیان بیمه بیکاری در استان‌های تهران، فارس، اصفهان، خراسان رضوی و خوزستان بوده است که استان‌هایی با بالاترین سطح اشتغال (رسمی و غیررسمی) کشور به حساب آمده و چیزی حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۲۳ میلیونی شاغل کشور را در خود جای داده‌اند. در این استان‌ها در حد فاصل اسفند ۹۸ تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۹ به ترتیب ۱۶۸، ۸۸، ۷۴، ۵۷ و ۴۱ هزار نفر متقاضی بیمه بیکاری شده‌اند که درمجموع ۵۰ درصد از کل متقاضیان بیمه بیکاری در بازه مذکور است.

مردان دو برابر زنان، متقاضی بیمه بیکاری

براساس اطلاعات مندرج در سامانه ثبت بیمه بیکاری، از بین ۸۷۱ هزار نفر متقاضی، ۲۶ درصد آن یعنی ۲۳۳ هزار نفر زن و ۷۱ درصد (۶۳۷ هزار نفر) مرد بوده‌اند. از سویی دیگر توزیع استانی ثبت‌نام کنندگان نیز اطلاعات جالبی را به دست می‌دهد. در تمامی استان‌ها مردان (با اختلاف زیاد) بیشتر از زنان متقاضی بیمه بیکاری بوده که این مساله می‌تواند ناشی از اختلاف قابل توجه بیمه‌شدگان مرد از بیمه‌شدگان زن در سطح کشور باشد. در استان‌های اردبیل، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان به ترتیب ۸۷/۵، ۸۵/۹، ۸۴/۸ و ۸۴/۵ درصد از متقاضیان بیمه بیکاری را مردان تشکیل می‌دهند و این استان‌ها به ترتیب ذکرشده، دارای بیشترین اختلاف تعداد متقاضیان زن و مرد هستند. استان کرمان و البرز نیز با ۶۱/۲ و ۶۵/۲ درصد متقاضی مرد دارای کمترین اختلاف تعداد متقاضی مرد و زن در بین استان‌های کشور هستند.

۶۱ درصد بیکارشدگان، شاغل بخش خدمات هستند

آمارهای بهار ۹۹ نشان می‌دهد سهم بخش خدمات از ۲۳ میلیون شاغل کشور ۴۸/۱ درصد بوده است. طی همین فصل پس از این بخش، بخش صنعت با ۳۳/۴ درصد و کشاورزی با ۱۸/۵ درصد به‌ترتیب بیشترین سهم را از کل اشتغال فعلی داشته‌اند. مقایسه این آمار با فصل‌های گذشته نیز نشان می‌دهد کرونا بیشترین ضربه را با بیکار کردن حدود ۵۰۰ هزار نفر به بخش خدمات وارد کرده است. اطلاعات ثبت‌شده در سامانه بیمه بیکاری نیز حکایت از خسارت جدی کرونا بر بخش خدمات دارد، به‌طوری که از بین ۸۷۱ هزار نفر که طی سه‌ماهه اسفند ۱۳۹۸ تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۹ در سامانه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند، ۶۱/۳ درصد (۵۳۳ هزار نفر) در بخش خدمات مشغول بوده‌اند، حال آنکه ۳۳ درصد در بخش صنعت (۲۸۹ هزار نفر) و تنها ۱/۹ درصد (۱۷ هزار نفر) در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند. توزیع ثبت‌نام کنندگان استانی نیز نشان می‌دهد در اکثر استان‌ها بیشترین متقاضیان بیمه بیکاری در بخش خدمات فعال بوده‌اند. تنها در استان مرکزی متقاضیان بیمه بیکاری بیشتر در بخش صنعت فعالیت داشته‌اند؛ در این استان ۵۳ درصد متقاضیان بیمه بیکاری در بخش صنعت و ۴۴ درصد در بخش خدمات فعال بوده‌اند. در استان خراسان جنوبی فعالان بخش صنعت و خدمات که متقاضی بیمه بیکاری بوده‌اند، تقریبا به‌طور برابر در دو بخش صنعت و خدمات فعال بوده‌اند.

۲۷ درصد یارانه معیشتی و ۴۰ درصد سهام عدالت ندارند

اگر ۸۷۱ هزار متقاضی بیمه بیکاری را به‌عنوان جامعه آماری مناسب از افراد آسیب‌دیده از کرونا در نظر بگیریم، بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها ضرورت بالایی پیدا می‌کند. از همین‌رو و براساس اطلاعات پایه ملی رفاه ایرانیان که توسط موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی منتشر شده نشان می‌دهد ۷۵ درصد از این متقاضیان ساکنان شهری و ۲۵ درصد آن روستایی بوده‌اند. ازسوی دیگر براساس این اطلاعات، ۸۱۴ هزار نفر یعنی ۹۳/۴ درصد از متقاضیان در یارانه نقدی (هدفمندی) دریافت کرده‌اند. علت عدم دریافت یارانه ازسوی ۷ درصد باقی مشخص نشده است. همچنین از این میان ۲۷ درصد دریافت‌کننده یارانه معیشتی (یارانه بنزینی) نیستند، درواقع ۲۳۶ هزار نفر از افراد بیکارشده که متقاضی بیمه بیکاری نیز بوده‌اند، دریافت‌کننده یارانه معیشتی نبوده‌اند. همچنین طبق آمارهای موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، از کل بیکارشدگان مشمول بیمه بیکاری، بیش از ۴۰ درصد از آنها فاقد سهام عدالت هستند. همه این موارد نشان می‌دهد محل اصابت کمک‌ها، یارانه‌ها و طرح‌های حمایتی دولت در حوزه تامین اجتماعی دقیق نبوده و بخش قابل توجهی از اقشار کم‌درآمد که در مشاغل ناپایدار و پرریسک هم مشغول فعالیت هستند، از دسترسی به حمایت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند.

۹۹ درصد بیکارشدگان تسهیلات کرونایی نگرفته‌اند

با شیوع کرونا بسیاری از بسته‌های متفاوت حمایتی اجرا شد که سوا از انتقادهایی که به نوع اجرا و گستردگی پوششی آن می‌شد، از عدم برخورد مناسب این بسته‌ها به گروه‌های هدف (دهک‌های پایین جامعه) گفته می‌شد. این مساله با توجه به آمار متقاضیان بیمه بیکاری مشخص است، چراکه ۴۰ درصد از این متقاضیان در ۴ دهک پایین جامعه قرار داشته و ازسوی دیگر ۹۹ درصد از کل متقاضیان نیز تسهیلات کرونایی را دریافت نکرده‌اند. بسیار عجیب است که از کل متقاضیان بیمه بیکاری تنها ۱۸۰۰ نفر تسهیلات کرونایی را دریافت کرده‌اند. این مساله عدم شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر در کشور را نشان داده و مصداق خوبی برای عدم موفقیت بسیاری از سیاست‌های حمایتی در کشور است.

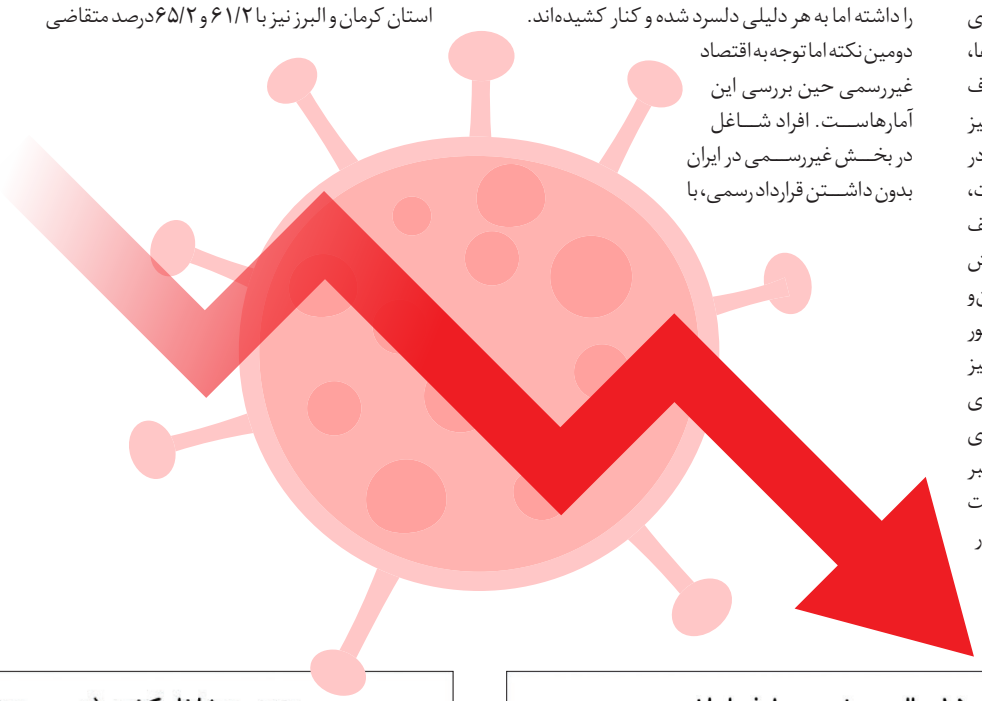

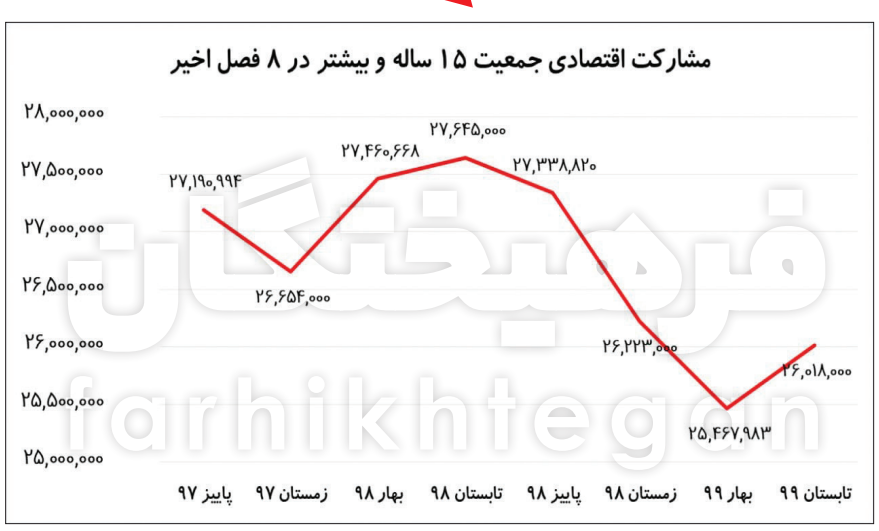

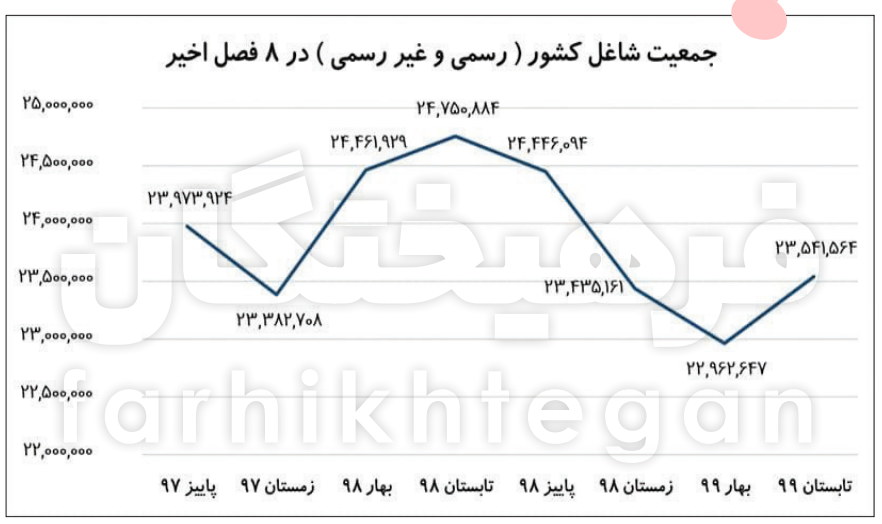

گزارش

مرکز پژوهش‌های مجلس:

دست‌ودل‌بازی دولت در بودجه خطرناک است

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای بررسی لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی داشتن تصویری واقعی از وضعیت اقتصاد کلان در سال ۱۳۹۹ و چشم‌انداز سال ۱۴۰۰ است. اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ با تخلیه نسبی اثر تحریم‌ها بیش از هرچیز تحت‌تاثیر شیوع ویروس کرونا قرار داشته است. درحالی که براساس اعلام بانک مرکزی درآمد سرانه کشور در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ نزدیک به ۳۳ درصد کاهش یافت با شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹ اقتصاد کشور با شوک جدیدی روبه‌رو شد. بزرگ‌ترین ویژگی شیوع این ویروس آن است که اثرگذاری آن بسیار متفاوت از اعمال تحریم‌ها بوده است. درواقع درحالی که اعمال تحریم‌ها عمدتا بخش نفت و صنایع بزرگ مثل خودروسازی را متاثر ساخته بود با این حال شیوع ویروس کرونا عمدتا بر بخش‌های خدماتی و صنایع کوچک اثرگذار بود. هرچند انتظار نمی‌رود درنتیجه شیوع ویروس کرونا ارزش‌افزوده اقتصاد کاهش شدیدی داشته باشد، با این حال با توجه به سهم زیاد این بخش‌ها در اشتغال کشور به‌نظر می‌رسد آثار رفاهی آن بر خانوارها بسیار قابل توجه باشد. به‌طورکلی رشد اقتصادی و رشد اقتصادی بدون نفت در سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۰/۵ و ۰/۸ درصد برآورد می‌شود. با وجود این وضعیت بازار کار و معیشت خانوارها به‌ویژه اقشار ضعیف از شیوع ویروس کرونا تاثیرپذیری قابل توجهی داشته است. این درحالی است که نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد متوسط‌های مصرفی به‌عنوان شاخصی از وضعیت معیشتی خانوارهای جامعه در سال‌های اخیر همواره روندی نزولی داشته است. درخصوص چشم‌انداز رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۰ باید بیان کرد حتی با تداوم وضعیت فعلی به‌دلیل روندهای مثبت شکل گرفته در سال ۱۳۹۹ در بخش‌های صنعت، نفت و ساختمان رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۰ مثبت پیش‌بینی می‌شود. با این حال رشد صادرات نفت و رشد مقداری تولیدات صنایع بزرگ ناشی از ظرفیت‌های خالی موجود در این صنایع، رشد اقتصادی را می‌تواند به میزان قابل توجهی افزایش دهد، ولی به‌دلیل عدم تاثیرگذاری جدی بر اشتغال، وضعیت معیشتی خانوارها به‌احتمال زیاد تغییر چندانی نخواهد داشت.

در صورتی که محیط اقتصاد کلان در شرایط بلاتکلیفی و نااطمینانی و انتظار نسبت به تغییرات محیط بین‌المللی قرار گیرد این موضوع می‌تواند حتی رشد اقتصادی را نزدیک به صفر و حتی در دامنه منفی قرار دهد. درواقع در چنین حالتی با به‌تعویق انداخته شدن تقاضای کالاهای بادوام خانوارها و سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها، اقتصاد به‌احتمال زیاد با مشکل کمبود تقاضای موثر روبه‌رو خواهد شد. با توجه به رشدهای منفی سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر و حتی برآورد رشد منفی موجودی سرمایه در سال ۱۳۹۸ مطمئنا مهم‌ترین اولویت اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ افزایش پیش‌بینی‌پذیری و ثبات اقتصاد است. در این خصوص ضروری است هرگونه سیاستگذاری اقتصادی به‌ویژه در فرآیند تصویب بودجه با فرض تداوم وضعیت موجود صورت پذیرد. درخصوص رویکرد بودجه سال ۱۴۰۰ لازم است توجه شود که توصیه به بودجه انبساطی به‌منظور خروج از رکود، به هیچ‌وجه تناسبی با شرایط فعلی اقتصاد ایران ندارد، زیرا درحال حاضر منابع در دسترس دولت به‌شدت محدود است و انبساط مالی قطعا با انبساط پولی همراه خواهد بود و چنانکه در بخش تحلیل وضعیت تورم بیان خواهد شد خطر ابرتورم همچنان دور از دسترس نیست و چنانچه بودجه ۱۴۰۰ براساس منابع غیرواقعی بسته شود، اقتصاد کشور با تورم‌های بالا و بی‌ثباتی بیشتر در بازارهای مختلف روبه‌رو خواهد شد. بودجه انبساطی تنها در شرایطی می‌تواند معقول باشد که ثبات اقتصاد کلان کشور را مورد تهدید قرار ندهد که برای سال ۱۴۰۰ موضوعی دست‌نیافتی است. بنابراین حداقل برای سال ۱۴۰۰ بودجه انبساطی پیشنهاد مناسبی نیست، بلکه اگر در سال ۱۴۰۰ درآمدهای پیش‌بینی‌شده محقق شدند و اقتصاد از وضعیت رشد اقتصادی منفی خارج شد، برای سال‌های بعد می‌توان انبساط مالی را با تمرکز بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها (نه افزایش تعهدات بلندمدت دولت نظیر حقوق و دستمزد) متصور بود.

چند پرده از توزیع ارز ۴۲۰۰ تومانی

۲۱ فروردین ۹۷ بود که معاون اول رئیس‌جمهور در صفحه تلویزیون ظاهر شد و اعلام کرد از فردا نرخ ارز، ۴۲۰۰ می‌شود و این شروع ماجرایی پرپیچ‌وخم در اقتصاد کشور بود. به گزارش خبرگزاری صداوسیما از فردای آن روز یعنی ۲۲ فروردین تا امروز روند نرخ ارز افزایشی بود به‌گونه‌ای که دلار ۴۲۰۰ در فروردین ۹۷ اکنون به ۲۵۹۰۰ تومان رسیده و که این فاصله بیانگر رشد ۶۱۵ درصدی نرخ ارز طی سه سال گذشته است.

هرچند در ابتدای کار قرار بود ارز ۴۲۰۰ برای تمامی مصارف و همه افراد باشد اما واردات کالا با ارز دولتی به ۲۵ قلم و در اواخر سال ۹۸ به ۹ قلم کالا و در حال حاضر به هفت قلم کالا محدود شده است.

هدف این بود که ارز ۴۲۰۰ به سفره مردم رسیده و سفره آنها را ارزان کند. حال این سوال ایجاد می‌شود که آیا تیر دولت به هدف خورده؟ برای پاسخ به این پرسش قیمت کالاهایی که ارز ۴۲۰۰ دریافت کردند، را در سال ۹۷ با قیمت کنونی آنها مقایسه می‌کنیم؛ قیمت گوشت گوسفندی در فروردین ۹۷ حدود ۴۲ هزار تومان، گوشت گوساله ۴۰ هزار تومان، مرغ ۸۲۰۰ و روغن مایع ۵۳۰۰ تومان بود اما بهای این کالا درحال حاضر در بازار به‌ترتیب برابر با ۱۲۰ هزار تومان، ۱۰۰ هزار تومان، ۲۴ هزار تومان و ۱۱۳۰۰ تومان است که این اعداد حکایت از افزایش ۱۸۶ درصدی قیمت گوشت گوسفندی، ۱۷۲ درصدی بهای گوشت گوساله، گرانی ۱۹۴ درصدی مرغ و افزایش ۱۱۰ درصدی قیمت روغن مایع دارد. اگر فرض کنیم در این سه سال مجموعا ۱۲۰ درصد تورم داشتیم کالاهایی مانند چای، گوشت گاو، گوساله و مرغ علی‌رغم دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی تورمی بیشتر از تورم کل را تجربه کرده‌اند که مردم نیز قطعا آن را به‌خوبی در سفره‌های خود حس کرده و مشاهده می‌کنند. هرچند از سال ۹۷ تاکنون ۵۵ میلیارد دلار برای اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی در کشور مصرف شده اما براساس آمار و اطلاعات و آنچه در بازار در جریان است، چیزی عاید سفره مردم نشده است.

فرهیختگان farhikhtegan